

با حفظ نقش و صفت مستقل خود ، از رزق و اهمیت تاریخی خود را پاسدازیم

برخی از روشنفکران مبنی بر "تضییف جناح بدتر در مقابل جناح بد" آنها را که در سیاست خام و ناشی هستند یا از مبارزه جدی حتی فرهنگی (و نه سیاسی) خسته و وامانده شده‌اند را علیه جناح رقب پسیج می‌کنند و در واقع آنها را به سمت تبیت و تحکیم موقعت یک جناح دیگر از حکومت خود و مجموعه نظام و حکومت دینی سوق می‌دهند . جناحهای حکومتی در این راستا، هم از قدرت سیاسی و حکومتی خود و ارگانهای تبلیغی و جوگزاری مبنی که در اختیار دارند استفاده می‌کنند و هم امکانات و تخصصی و قدرت مالور و عوامگری بی زیادی در اختیار دارند، و با سوء استفاده از خواست جدی تحول و ایجاد فضای باز در جامعه و ضعف ابورزیسون به رختی می‌توانند از موقع ناراضایتی مردم و بویژه روشنفکران بهره گیرند. از اینرو ما وظیفه خرد می‌دانیم که ترفندها و عوامگری های هر یک از جناحهای درون حکومت را به درستی برای مردم آشکار سازیم و از ایجاد توهمند نسبت به ماهیت و اهداف و انگیزه های آنها در بین مردم جلوگیری کنیم. باید تواندها و نفعهای آنها را خشی سازیم و تلاش کنیم تا مردم در دام آنها نباشند و آلت دست آنها شوند و حرکتهای مردم در میان دلخواه آنها قرار نگیرد، در عین حال ما از حرکتها و جنبشهای مردم که تحت هدایت و رهبری عناصر مرتاج و باسته به مر جناحی از حکومت، یا چهره های شاخته شده ضد دمکراتیک یا همراههای وابسته به اسرائیلیسم جهانی صورت پذیرد، حساب نمی کنیم. تجزیه جنبش انقلابی سالهای ۷۵-۷۶ و دفاع کامل از خوبی برای سلط شدن بر جنبش و پیامدهای فاجعه پار جنبش عملی، باید بهترین درس برای ما باشد. آزموده را آزمون خطاست. ما از حرکتهای که سیدان داران آن، عوامگریان و سوداگران سیاسی اند که با وعد و وعدهای دلخوش کن بر خشم و طیان تولد ها سوار شده و آن را در جهت ایال خود سوق می‌دهند، حساب نمی کنیم. ما از سارزات نیروهای حتی ابورزیسون که آزادی را فقط برای خود می خواهند، و تنها به نظر آزادی سازمان خود یا شریه و مجله متعلق به خود هستند، حساب نمی کنیم. ما از سارزات نیروهایی که حتی دفاع آنها از حقوق دیگر اشاره و سازمانها به تصد جلب نیرو و امکانات برای خود در معاملات آید، با حکومت باشد، حساب نمی کنیم. ما از سارزات نیروهایی که مقابله آنها با حاکمیت تنها برای تصرف پایگاهی در مجموعه حاکمیت و تحریر چند کرسی مجلس و ستادی وزارت پاشد و همواره در فکر معلمه و زد و بند با حاکمیت یا جناحی از آن باشد، حساب نمی کنیم. ما از سارزات نیروهای ابورزیسون درون نظام و ملزم به قانون اساسی که صرفاً برای تغیر حاکمیت و نه مجموعه ساختارهای سیاسی و ایدئولوژیکی و حقوقی حاکم و نه تغیر حکومت دینی نلاش می کنند، به صورتی کاملاً تاکبکی و آنهم تا آنچه پیشیانی می کنیم که به سارزات اساسی ما برای تغیر حکومت دینی و ساختارهای حاکم و قانون اساسی آسیبی نرساند، بلکه در خدمت سارزات ما نوار گیرد. ما از سارزات نیروهای ابورزیسون درون نظام دفاع استراتژیکی

در شرایط کنونی، بویژه جناح های "کارگزاران سازندگی" و "اثلاف خط امام" نلاش می کنند تا با سوء استفاده از خواست پر قدرت "فضای باز سیاسی و اجتماعی" در جامعه و سوار شدن بر اکارهای مردم و روشنفکران را به قصد تضییف رقب و تقویت موقعیت خود، به صحنه آورند. اما در عین حال بیت سال عقده های فرو خفت و فربادهای در گلو خفه شده ترده های نازاراضی مردم، منتظر فرصتی است تا مجتمع آتشخان ختفه ناگهان فوران کند و سیلای از آتش به راه اندازد. از اینرو جناحهای حکومتی تمام نلاش خود را پاکار می اندازند تا هژمونی خود را بر حرکتهای کنترل شده ترده های نازاراضی مردم، مستقر یکسو حرکت اثمارگرانگون مردم و روشنفکران علیه جناح رقب را را مهندسی و سازماندهی می کنند و از یکسو می دارند تا مهار این حرکتها از دشنان خارج شود و اعترافات مردم را در چارچوب منافع خود و حفظ مجموعه نظام و ساختار سیاسی، ایدئولوژیکی و حقوقی حاکم و حکومت دینی محصور کند و اسرار مازد. هر جناح سی می کند تا اینچه ها را نهادهای گوناگون در محیطهای کارگری، دانشجویی، دانش آموزی و نیز میان نویسندها، هرمندان، روزنامه نگاران و ... وجود آورند تا در موقع لزوم به نفع آنها وارد عمل شود. به عنوان مثال وظیفه اصلی "انجمن های اسلامی دانشجویان" و "دفتر تعکیم وحدت" در محیطهای دانشگاه، آن است که بجای پیج دانشجویان علیه حکومت و در دفاع از حقوق اساسی خود دانشجویان، یا لغزی عدالتی ها و تبعیض ها مانند لنز سهیه بندی پسیج و اسرار و خاتوندهای کنکه شگان چنگی و سهاده در دانشگاهها، پفع تبعیض جنسی در ککور و انتخاب رشته ها، یا تگریش های سیاسی و عقیدتی و ... نلاش می کنند تا اینقای نقش بازوی یک جناح حکومتی، جنبش دانشجویی را به سمت دفاع از مجموعه حکومت و ساختارهای آن و دفاع از یک جناح میں حکومت سوق دهند و در واقع علیه منافع و هویت واقعی یک جناح مستقل دمکراتیک دانشجویی عمل می کنند و اجازه تشكیل یک نهاد و حرکت مستقل دمکراتیک را در سطح دانشگاهها نمی دهند. "خانه کارگر" نیز چنین وظیفه ای دارد و در جهت پیج کارگران برای دفاع از مجموعه حکومت و به نفع یک جناح میعنی از حاکمیت، جلوگیری از رشد حرکتهای اعتراضی مستقل کارگران و سامانه از ایجاد نهادهای منفی یا سیاسی مستقل در محیطهای کارخانه ها، و در مقابله با پیج و مشکل شدن کارگران دو جهت تحقیق خواسته ای اساسی طبقاتی خود عمل می کند. جناحهای حکومتی نلاش می کنند، چنین خط مشی را در صفحه روشنفکران، نویسندها، هرمندان اجراء کنند و در این راه، هم از خصلتهای متزلزل و هراسان و نیز علیان و بویژه سیاری از این افراد به مطرد و معروف شدن و نایاب شدید برخی از آنها به چاپ و انتشار و نایاب آثارشان و گرفتن اشتباختی به هر یکی، موه استفاده می کنند و هم با عوامگری و جوگزاریها و ایجاد توهمند نسبت به خود در بین آنها و نایاب چهره "ازادی طوطاهه" از خود؛ برخی را به دام می کشانند و هم با سوء استفاده ماهرانه از انگیزه صحیح

آن تظاهرات و اعتراضات تبدیل شود، نیروهای فرست طلبی را الشا و متروری کنند، آن وقت باید در آن تظاهرات و اعتراضات، برای اجرای طرحهای خود، شرکت سازمان پاکه داشته باشیم، در غیر اینصورت نباید در میجذب این این تظاهرات شرکت کرد، صرف اعتراض یک جریان و سازمان علیه استبداد و صرف حضور مردم در یک حرکت اعتراضی و تظاهرات نباید میبار و ملاک اصلی تصمیم ما برای حمایت از آن جریان و حرکت و شرکت در آن تظاهرات باشد، مگر آن سیل عظیم تظاهرات و راهیمی های گوش به فرمان در دوران ۵۶ - ۵۷ و نیز ۲۲ بهمن، چه حاصلی حزمه روی و عقب ماندگی برای ملت ایران باقی گذاشته است که مارا باگذشت بیست سال و تجربه اندوزی فراوان، باربدگر به هرس راه اندازی مبنای توری آن پایاند؟

ماهیت و مضمون هر جنبش و

حرکتی با میبار چگونگی نقش تاریخی و نیز اثر مقطعي و تابع و پامدهای مشت و منفی آن حرکت در جمیع جنبش دمکراتیک میباشد، هدف و منتظر اصلی جنبش، ماهیت عملکرد و بیش رهبری، هزینه های اجتماعی با در نظر داشتن تلقافات جانی و معنوی؛ تعین و مشخص می شود، جنبش و حرکتی آگاهانه است که با آگاهی عینی از این مسائل صورت پذیرد، حضور مردم در یک جنبش و حرکت اجتماعی به خود خود، نشان آن نیست که این جنبش چه از نظر تاریخی و چه از لحاظ زمان و مقطع خاصی مشتمل مترقبی پا آگاهانه است، ماباید به بولویم و عوام زدگی و دنیال روزی کور از مردم دچار شویم.

و یقینه چه آن نیست که رل سیاهی شکر را برای دیگر نیروها ایفا کند، وظیفه ما جلب اعتماد مردم به سری جنایی از حکومت با دیگر نیروهای ابوزیبون نیست، نیروهای چپ برای آن به صحنه مبارزه سیاسی وارد نمی شوند که نقش "پل عبوری" را برای دیگر نیروهای سیاسی برای رسیدن به قدرت حکومتی بازی کنند، نیروهای چپ این همه مصیبت و زجر و سخت و تلقافات را تحمل شده اند که تنا به عنوان یک اهرم کسکی برای بهبودی شرایط سیاسی یا جلب آراء، مردم استفاده تاکیبی دیگر نیروها قرار گیرند، باید توجه کنیم که هر یک از موضع ما، یک سند تاریخی است که تاثیری تاریخی نیز دارد و پاسخگویی تاریخی را از ما مطلب، روابطی که بخطاب تأثیرات آئی حركتی کور، آنهم با ایجاد نقص عامل کسکی جنایی از حکومت یا ابوزیبون درون نظام، نقش و اهمیت و ارزش تاریخی خود را نمی کنیم و زیرا باگذاریم و برخود خط بطلان بکشیم.

یکی از مهمین وظایف ما، برقراری پرونده ارگانیک، آگاه کنند و سازمان گرایانه با مبارزات مردم است، مشی سیاسی "التحاد جب دمکراتیک ایران" مبتنی است بر ایجاد و توسعه شبکیلات منجم و آگاه، چپ دمکراتیک در میان مردم، گسترش تعالیت تردد ای، ترویج ایندهای دمکراتیک و اندیشه های سوسیالیستی در جامعه، تهییج و بسیج و تکلیف توده ها و هدایت مبارزات آنها برای تحقق خواستها و مطالبات دمکراتیک و عدالتخواهانه، حضور فعال سیاسی در جامعه، کسب نفوذ و قدرت رهبری کنند، در میان مردم، تلاش برای همکاری و وحدت با دیگر نیروهای مستقل و آزادبخوانه میباشد، و پیزه در داخل کشور، گسترش بارزه سیاسی مردمی بر علیه حکومت ایندهای دینی تنها بدین گونه می توان با جنبشها و حرکتها مردم ارتقا ارگانیک برقرار ساخت، این حرکتها را بخدمت، آگاهانه، دمکراتیکانه و سازمان یافتد و هدایت نمود.

نخواهیم کرد، همچنین ما در دعواهی میان مرتعجان مذهبی بر سر تعصیت تاج و تخت مرجبت و اعلیت دیشی درگیر نمی شویم، ما به هیچ وجه خود را درگیر بجهاتی مریبوط به این که چه کسی در دین مرجع یا اهل است، نکرده و نخواهیم کرد، زیرا این مسائل به ما مریبوط نمی شود و اساساً اصل این مسائل از جانب مردود است، اما در صورت اسکان و توان، می توان از این اختلافات صرفاً برای ایجاد و گشتن شکاف در حکومت و تضعیف مجرحه آن استفاده کرد ما از موج سازیها و حادثه آفرینان مرتعجان و سرکوبگران دیروز و به اصطلاح "آزادخواهان امروزه" همچون "دفتر تحکیم و حقدت"؛ مجاهدین انقلاب اسلامی" افزادی که در چند سال گذشته در سرکوب مردم و نیروهای آزادبخوانه و مخالفان هرجه در توان داشته انجام داده و اینک با انگیزه های قدرت طبله به سکاران ساپاشان درگیر شده اند حسایت نمی کنیم، ما از اقدامات احزاب و سازمانهایی که خود حاملان استبداد و حکومت تو تالیف از نوع و شکل دیگرند، و به دنبال بهره برداری از جنبشها کور و عصی مردم خسته، حسایت نمی کنیم، اما ما باید تلاش کنیم:

۱- از همه این حرکتها و ابراج علیه حکومت استبدادی ولايت فقهی برای ایجاد و گشتن شکاف درون حکومت، و ادارکردن حکومت به عقب اشتبه و نزدادن به دادن امتیاز به نیروهای ابوزیبون آزادبخوانه مردم، تائین هرجه بیشتر فضایی بازتر از سابق در همه عرصه ها بخری استفاده کنیم.

۲- مردم را به ماهیت عملکرد و بیش و مش و شخصیت افرادی که میدانندار و پرچمدار و رهبر جنبشها آنها شده اند، آگاه سازیم و بر نامه صحیح و رادیکال پیگیری را به آنها ارائه دهیم و با دروس اخشنده مردم از رهبران عارف از و متحده و مشکل نمودن آنها حول برنامه رادیکال پیگیر و دمکراتیک، جنبش آنها علیه حکومت استبدادی و برای استقرار مردم سالاری، به شکل پختن، آگاهانه تر و مددغذتی ارتقاء باید.

۳- هرگونه سرکوب در هر شکل و سطحی که علیه مینیم حرکتها و جنبشها مردم تو سریع و لایت فقهی صورت پذیرد را شدیداً سحکرم کنیم و اجازه ندهیم رژیم استبدادی با به بنیت کشاندن جنبش آزادبخوانی و سرکوب مردم از آنها بیشتر امتیاز بگیرد و آنها را به ازدواج بکشاند.

۴- لحظه ای بارزه سالم و مستقل خود علیه رژیم و لایت فقهی و برای تغیر حکومت دینی و ساختار سرمایه داری اسارت گشته اندگلی و برای استقرار حکومت دمکراتیک، مردمی و ملی را سوتق نسخه و آن را تحت الشاع سایل دیگر قرار ندهیم، خططشی استراتژیکی سایه مبارزه سیاسی توده ای در پیوند نشده با تردد ها و سازماندهی جنبش مردمی است، نه نکی به محل های پراگذشت روشنگری جدا از مردم، قیم توده ها و تابع جریانها و حدادت زود گذر که هر زمان به دلیل بر جم مبارزه را در گفت اختیار نایابان و فرست طبله و انگلکهای جنبش مردم قرار دهد.

۵- در زمان و شرایطی که تظاهرات و اعتراضات تحت رهبری و هدایت نیروهای ضد دمکراتیک یا نااصر وابسته به جنایی از حکومت یا حتی نیروهای از ابوزیبون درون نظام صورت پذیرد و انتشاری از مردم (جوانان، زنان، داشجویان، کارگران،...) نیز در آن حضور داشته باشد، ما با توجه به وظایف اصلی خود، و بر اساس توان و امکانات و قابلیت های خود، و با منجش درست اوضاع و شرایط، اگر شناسی دهیم که می توانیم این تظاهرات و اعتراضات و حرکتها را از مسیر دلخواه آن نیروها خارج سازیم و در مسیر مظلوب خود قرار دهیم یا همزمنی خود را حمله در آن حرکتها اعمال کنیم بگونه ای که شعارها و خواسته های ما به شعارها و خواسته های اصلی

جادال بر سر منابع مشروعيت نظام!

جادال بین دو گرایش ولایت مطلق و ولایت مشروط در میان جناهای حکومتی بالاگرفته است. بازوجه باز که ولایت فقیه بنیاد نظام جمهوری اسلامی را تشکیل می‌دهد، و هرگونه تزلزل در آن کل بنیان جمهوری اسلامی را بلرز، می‌انکند، درنگ و تامل برروی ماهیت، علل و دامنه این بحران دارای اهمیت زیادی است.

عنوان حکومت جمهوری اسلامی، از همان آغاز حاوی تضادی بنیادین بود میان عنصر جمهوری، که بیان کننده مشروعيت نظام برای رأی عموم مردم، و عنصر اسلامی برایه ولایت فقیه، و مبین ناشی شدن مشروعيت نظام از جانب خدا و اسلام. تاریخچه حیات جمهوری اسلامی در طی ۱۵ سال را روایتی میتوان جadal بین این دو عنصر و اگرا دانست. جدالی که بین گذان سرنوشت «جمهوری اسلامی» را رقم خواهد زد. سردیداران رژیم تاکنون تلاش نکری و عملی زیادی را برای هماهنگی شنان دادن ایندو و سنجاق کردن آنها به یکدیگر بکار بسته اند. اما به رغم همه این تلاشها باگذر زمان، شکاف بین آندو وسیع تر شده و روز بروز وضع انفجاری تری می‌یابد.

اینها کند، قادر بانجام آن نیست. میدانیم که از همان آغاز حکومت جمهوری اسلامی تفاوت و درک های متعددی از مفهوم ولایت مطلق فقیه و عورده داشته و شتابه ایزرا برای دفاع از مفهوم اقتصادی و سیاسی این یا آن جناح و یا گرایش بکارگرفته شده است. در ابتدا، جناح راست سنتی به مقتضای تفرق جناح رقب و حیات نسب خیس از آن درستگر قله سنت و در مقابلت با اختیارات ولی فقیه موضع گرفته و به مقاومت و حمله به سیاستهای حاکم پرداخت. در آزمان خط امامیها که ولی مطلق را حامی خویش می‌پنداشتند، مدعان در آتشه اعمال قدرت مطلقه فقیه بودند. سخنان امروز کسانی چون همراه نبوی که: «بند بر پرسی از سیاستهای امام را نمی‌پنندید و با آنکه ولی فقیه در چهارچوب اختیارات خود دارای انتشار مطلق است، نیز نه فقط نافی آن نبوده بلکه تهنا شنان دهنده تعریض سنگرخوش بهزادنیوی و هم سکائش نیروهای مرسوم به خط امام است: در شرایطی که تفرق باین جناح رقب است، تکین به انتشار مطلق رعیت و مقدی نکردن این انتشار به شرط و شروط و ریا قانون اساسی، میتواند در تضییع مردمیت سیاسی او و تفرق انتشار رقب بسیار مشریع شود. میانگونه که سخنان باهنر در مصاجبه با مانعهای «ضعی» در مرد نادرست یومن دیدگاه دیروز جناح درباره قله سنت و انتشار ولایت مطلق نیز شنان دهنه چیزی جزو تعریض سنگر قبیس و قرار گرفتن در سوقیت جناح برقو همدلی و هبر با آنان نمی‌باشد. دیروز خط امام شمار و لایت مطلق را در درخته مسنان و انتشار خود می‌یافت اما امروز آنرا چون شمشیر آربیته بر فراز سرش، میانگونه که جناح رسالت و بازاریت همین احسان را در آن ایام بصورت معمکوس داشت، تبیجه آنکه هردو جناح دریک زمان نسبتاً خواستار انتشار مطلق و یا مشروط ولایت فقیه باشد و همین تضاد و دوگانگی است که مثناً برقو مجادلات و نزاعهای یا بیان ثابتیز در نظام ولایت فقیه ویگونه ای ساختاری و در چهارچوب جناح بندیهای آن می‌باشد. چنانکه مشاهده میشود، بحران از تیریوی محركه درونی و نیرومندی برخودار است، که متناسب با اوضاع و احوال شدت و ضعف پیدا کرده اما در کل مسیر رو به صوری را پیشود و اکنون به سطح نویش ارتقا یافته است. در دوره گذشته جناح مرسوم به رسالت، برآن بود تا انتشار ولی فقیه را به قله سنت مشروط کند، و اکنون جناح خط امام برآنست که مبنیه انتشار و اختیارات آنرا مشروط به قانون اساسی و انتخاب مردم نماید.

معین نونه ها پهلویان نشان میدهند که اصل ولایت فقیه نه نقطه مهترین تجلی حاکمیت و روحانیت و حکومت الله بر مردم است، بلکه در همان حال بزرگترین نقطه صرف آن نیز بشار می‌رسد. پنجه که کوچکترین نظر هش خودیهای دیگر اندیش، بلاتصاله بدوری بنیادی ترین پایه وجودی، آن مشرک می‌شود و ناسی ازگان

از نظر پیشنهاد، روند موجودیت پینین ترکیب متضادی متراوف است باشکت روند علیم در نیل به آماجهای اصلی خودینی؛ آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی، در دوران خیش، علیغم تقضی مکرر رأی مردم و تصرف آراء آنها، او می‌توانست، پایه‌های گیری از نتش و افتخار بلامانع خود و وجود توهمنی نسب در میان مردم و سودگرفتن از استعداد بیکارانش در ریا و عراقوفیسی، و سرانجام بهره گیری از قهر مر کجا که تبعیغ عوامل فون کنندی شد، شکاف فزانیه بین ایندورا. تاحدودی به پیشاند. گرچه همه بیاد داریم که چگونه از در مواردی ناجارمیشند، ریار عراقوفیسی را کنارگذاشتند و رک و راست بمردم بگردند که تنها جمهوری اسلامی و پامجلس جمهوری اسلام را نه یک کله کم و نه یک کله زیادا- قبل داشته و اگر مردم هم بآن [امثله] به جمهوری و پامجلس ملی و آی بدهند و با آن مخالفت کرد و مطابق اسلام عزیز عمل خواهد کردا با این وجود در دوران پس از اد، دامنه برپالشدن تضاد بین ایندور عنصر، ایعاده شدت پیشتوی یافت، به نوعی که اکنون دامنه آن حتی بدرین مبنایهای مکومنی کشیده و ... دعواه داغی بررس منابع مشروعيت نظام اشده است. از آنها که «جهل نظام ولایت فقیه، با آزادی و حاکمیت مردم، صرف نظر از گرایشات اون جناح و آن جناح، گلوریش ترین تضاد جامعه ایران را تشکیل میدهد، ناسی تلاشها و تمهیمات رژیم برای خاموش ساختن آن راه بجایی نیزه است. زمانی زمامداران جمهوری اسلامی و سرکردگان جناح حاکم هرکس را که در باره ولایت فقیه چون و چرا میکرده، لیبرال و ملحدی نایاندند، اما اکنون این حایان شناخته شده خود ولایت فقیه و افزاده وابسته به بیت امام مردم هستند که چون و چرا در این زمینه را آغاز کرده اند، نگاهی به برخی فرازهای منعکس یافته در نشیبات و روزنامه های و استهه به رژیم و جناحها، و جلال آنها بایکدیگر حول تفاسیر گزناگون از ولایت فقیه، این رکن تعین کننده جمهوری اسلامی، بخوبی گستره حریق را به درین جناههای رژیم نشان میدهد»

دوروند جدالهای سیاسی و رفاقتیهای جناههای رژیم، راند، شدن جناهها به مشارجه، در باره چهارچوب اختیارات ولایت

فقیه، نیز نصادف نیزه، رشان از سرایت بحران به قلب نظام جمهوری اسلامی پیشی ولایت فقیه دارد، و بهین دلیل باید آنرا مهترین تعجب بحران ساختاری رژیم نامید.

و رعی به انجام مانورهایی پرداخته است که باصطلاح اورا بر فراز جناههای قرارداده و اندکی از یکجانبه گرهای گلسته بکامد. اما بدلا لایلی و زدن مخصوص

او، در مقایسه با خیشی، و شرایط عمومی حاکم بر جامعه و توانی قرای جناحها به قسم است که او هستی براستی هم بخواهد پینین نتش را

بیشتر از ارگان انحصار چیز دمکراتیک ایران

به مبنظر صدور پروانه چهت متفاہیان و نظارت بر فعالیت گروهها و انجام وظایف
نصرحد دارین تاریخ، کمپرسنی به شرح زیر در وزارت کشور تشکیل می‌گردد:
۱- هماننداده دادستان کل کشور ۲- تابعه نهاد مرکزی اعلی فقضائی ۳- تابعه وزارت کشور ۴-
با نهاده به انتخاب شوراهای اسلامی ازین دو طبقه که از داخل مجلس و خارج
دان به مدیریت کار از تابعه دادستانی ۵-

مشروع مذاکرات به وضوح شناساند که در این مذاکرات اخبارات این کمپیسرن نیز دو دیدگاه در میان مایندگان وجود داشته است. داده ۱۷ قانون امن از ازاب صراحت دارد که: «در صورتی که فعالیت تکلیفاتی یک گروه مسئلت تخلخلات مذکور در ماده ۱۶ باشد، کمپیسرن می تواند بر حسب مردود به تفصیل زیر عمل نماید:

۱- نتگر کنیت-۴ اخخار-۳ توپق پهروانه-۴- تقاضای انحلال از دادگاه^۱
گروهی از تنبایندگان معتقد مودنگ که کمپرسون ماده ۱ باید حق انحلال و توفیق فعالیت احزاب را
نه باشد و مغایر، گروهی معتقد بودند که نباید به کمپرسون چنین حقیقی را داده و انحلال احزاب باید
از طریق دادگاهی انجام شود بر طبق اصل ۹۰۰ اساسنامه اساس باشد. نظر کمپرسون امور داخلی،
که از کنده فعالیت احزاب، چنین بوده است:

"اوسته مردن یک گروه کجا باید ثابت بسند و چطوری؟ خوب، مثلاً یک گروهی را من گویند که این گروه آمریکایی متنده همین که گفتند اینها آمریکایی هستند، دیگر باید باشند؟ باید که مسکندهای باشند و تشکیل شود حالا فقر کشند که خواه اسناد هم در جاهای زیادی باشند، در لانه جاهموس یا در جاهای دیگر، این که یافته نهاد، باید در یک جایی مطற بنشود، بررسی شود، حکم لاده شود . . . در دادگاههای مرجح

فأشار إلى قانون اساسى، فـ«قانون اساسى» هو شرط زیر بوده است:
 آنچه موحدى ساوجى: «در حقیقت که این قانون وجود نداشته و موارد تخلف در این
 قانون را این کمپرسون-سدگى من کند و بعدم عین یک دادگاه حکم صادر
 کن کند . . . کبریون نتفت می تواند اگر جانبه ملائید پیک گروهی تحالفات مکرر
 انجام دهد، اینها کاملاً موقوفه کنند، اگر خود بخواهد حکم صادر

بنارست: «این کمپرسون حکم بک از پیرس را دارد. بعد از دادگاه خاصی که در فانزون اساس معنی کرده است احواله من شود که آیینه این گروه پروانه بدھید یا ندھید، پروانه این گروه والو کنکنه تضمیم گیری با دادگاه و مقام قضائی است»

آقای معاذ خراوی: «من گردد سماله بر این که یک کمپرسور مصلحت تشخیص دارد و بروانه بدید و مصلحت تشخیص دلخواه نداشت به نظر من خلاف قانون اساسی است» (۳۴) (۱۹۹۳: ۲۸)

آقای مرسو سریزی: «اگر اینها (کمپرسور ماده ۱۰) خودشان حکم به انحلال من کردند آن را باید تراکت کنند و داده و اداه کنند این است که کمپرسور در باب انحلال، تفاوتی انحلال از دادگاه من کند و اگر کبیر و قوه صلاح دید باز نگیر کنیم، با اخطار و اگر اسلام نهند باز تخلصی را نگیر کرد، از دادگاه صالحه تقاضای انحلال من کند بنایلاً اینجا

کمپین حکم قضایی را تاخان نس دهد (۱۷۶ ص ۴۴) آفای آقازمی: «بایزیر این گمپین که دونفر آنرا مجلس هست و شاید از حزب ریایک دست سپاس خاصش باشد از دادگستری هم دونفر هست، یک نفر از آن مه از دولت هست، نه نوادن به اصطلاح هم تعریف کند و نه حق دارد به اصلاح آثار تعطیل گشته بین جاو بهترین مکالی کمی تو زند و سید گی یکند آدگاه صالحه است»

نایب رئیس کمیسیون امور داخلی (آقای معاذ بخارا) درباره نقش و وظیفه کمیسیون ماده ۱۰ چنین

از یک طرف این کمپرسن نظارت می کند بر کارگروهها، از طرف دیگر نظارت می کند بر کار دولت که آیا نیز تأثیر این شرکت پذیرش نموده دلیل یک گروه را نگیرند که نقش استقلال کردید یا همان وسری شما چنین است، یا دادن پرونده وابه او به تأخیر بیاندازند (هم ۱۷۵ ص ۲۶)

”نشکل این کمپیوون را مطلع پذیرفت که برآ و آن صادر بکند، نظارت بر فعالیت گروها بکند...“ بعضی نظارت بر انجام این قانون هم بگذشت این کمپیوون فقط من آبد تمامی انجاماتی که تشخصیز مردم این کار و اقدام این جرم می‌سازد و این منع انجام هست، مستحب گرفتن برآ و برآ هشی هست و این تشخصیز با دادگاه است.“ (۲۱ ج ۱۷۶ ص ۱۱)

مژوه مذاکرات آشکار انشان در مدت که اکبر نمایندگان مجلس نظر مخالفان آزادی فعالیت
حرب از خود بادند اخبار گسترش داده که مکسیمون ماده ۱۰ را نهایت فرشته و سر انجام مواد ۱۱ و ۱۲ قانون
حرب از این توضیحات و لهم از قانون به شکل گذشت آن در جلسه ۱۷۷ مجلس شورای اسلامی
اصولی شد

مشروع مذاکرات محلی شورای اسلامی به همکار بررسی و تصریب قانون احزاب، به وضوح نشان می دهد که در دیدگاه مشفاظ و بعضی مضافد درباره محدودی آزاد بودن فعالیت احزاب سیاسی و پژوهشگران گذشت و انتقال آنها وجود داشته است. این دو پیشنهاد در تمام طول مذاکرات درباره مفاد قانون احزاب و در پیشنهادها و آرای نسپادهان، به وضوح دیده شد.

یک از مواد جنبالی این قانون ماده ۶ بود که مراجعت به شرح زیر تصریب شد:

۱۶ این قانون مکرر دند
مراجعه به شروط و مذاکرات مجلس در مورد ماده ۶ نشان می دهد که اکثریت نمایندگان مجلس
منصف بردند که قوانین گروههای سیاسی علی الاطلاق آزاد است بدین تابعیت که بحسب پرونده پایه محروم از
وزارت کشور ندارند مخالفان این ماده - مانند کسانی که هم اکثرین نیاز با اجرای برنامه توسعه سیاسی
و نیش مجهور و خصم لایقیات از پایه اصطلاح خوشانگاری خود را مخالف مانتند - به شدت با آن
مخالفت کردند آقای البریری، یکی از نمایندگان آن مجلس، دو دیدگاه پایه دارد: راجبنین صحنی بنده
که در این قانون

۴- دو پیش مختلطف وجود دارد، در مرور برخود را با احزاب و گروهها، یکی این پیش است که اساس و پایه وابر جرل گیری از فعالیت احزاب و گروهها بگانگاز مگر این که پیش از سرمیر رسانیدن که اینها درست عمل نمایند کنند که یکی پیش است پیش دوم این است که اصل در بر ابراهیم بگذاریم... اگر خلاف گفته دند، آنوقت لجو شویش را بگیریم." آقای الیور در دادخواست، اصرار داد و درست نه تقدیر کرد و هاست.

"اول اخراج و گروههایی که برآنده دارند درم اخراج و گروههایی که برآنده ندازند ولی من توانند فعالیت بگذست و شرطی داشته باشند و اعلامیه پوشش کنند، جلسات داشته باشد و نظارت آنها بگیرند" توضیح مذاکرات ملله ۱۱۹ صفحه ۲۶۰ و ۲۶۱

آن‌گاه موردی که مکاری در همین مورد رخ نماید در دفع از ماده ۱۶ توضیح داده است که:

"ما نگفته‌کیم که هستی باید مردانه بگیرد زنانه بگذست و گروههایی که برآنده ندازند و می‌توانند درم اخراج و گروههایی که برآنده دارند درم اخراج و گروههایی که برآنده ندازند ولی

باشد و دون آن که برآ وانه گرفتند هیچ الزامی برای این که آنها باید و مراجعت کند برای گرفتن پروناء، نیست. فعالیت گروهها هم آزاد است شرط همانهاست که در اصل ۲۱ قانون اساسی از کفر نداشت". (۴۴ جلسه ۱۱۹ ص ۳۰)

ایسکاله مهدوی کرد، و بیر کنرو و کت، در جلسه ۲۰ مجلس حصروریافت و با طرح موذ بعثت مخالفت کرد: اما مجلس کلیات راچ را تألف نمود
دو شوو دوم مقابل دویست و هشتاد و هفتاد و چند نفر شد مخالفان ماده ۶ تاکید می گردند که:
۱- انقلاب ما با حرطات زیادی و بوزیر و استاد و برادر جلر گیرگی از خبرات حسن پاید از امراء
گرفته بپرساند داشتند و با روانه نمائی کرد: «ازد کرمی ۲۴۷۷ ص ۳۴۲

در مقاله «نحوه افعال ماده» بر ازای فناوت اخراج بود و سرو ترقی پروره ناچیزی در فرد
چنین نظر داشندگ: «فناوت گروهها آزاد است. آزادی را قانون اساسی تضیین و تأمین کرده است.
نمی توانیم جلو آزادی را که فانون اساسی تضیین کرده است با حذف این ماده بگیریم.
اگر با بشدت مابه عده آنها بینشید که شما باید بروانه بگیرید مخالف با اصل
آزادی است که قانون اساسی آن را تأمین و تضیین کرده است. همین اگر ما فناوت
گروهها را درست نگیریم بر حلاف قانون اساسی رفاقت کرد و فرقی این است که اگر
بروانه گیری نداشت، آنها که بروانه دارند نسبت به آنها که بروانه ندارند اختصار دارد و
خطای اینها ساده تر خواهد بود. [۱۴]» امسد این طرز اشاره کرد: «[۱۵]

بحث میان مخالفان و مخالفان ماده ۱۶ بهار در مخفیت مخالفان آزادی فعالیت احزاب بدرود که پروانه و مخالفان آن را به دشت ادame باشند تا آنها که نمایندگان مختلف از این فعالیت احزاب بدرود کسب پردازه و دوستدار از آقایان فرداد کرسی و معبد انصاری - پیشنهاد حلف ماده ۱۶ دادند که مردم نمایندگان آقای دوستدار و معاون دوستدار کهور و زمان نظریه سپری قانون احزاب بود. اما این پیشنهاد تصریف نشد مخالفان میان پیشنهاد تصریف نفرمایندگان ماده ۱۶ را که به موجب آن فعالیت احزاب

مشروط به کسب پروانه می شد، داده اینها پیشنهاد رسانی و آغاز توارد رهبه تصوری غریب سرانجام با دروغ تلاش گسترده مخالفان، ماده ۶ به معین شکلی نملی با کتریت بسیار بالاین د محل تصوری شد.

آقای زاده ایرانی با آن که با آزادی مطلق اخراج سیاسی مخالف بوده است، اما بر اساس مفاد قانون مصوب اعلام کرد:

”ماده ایجاه گروهها ملزم نکرده اند، یعنی قانون ملزم مشان نمی کند به این که بیانات پژوهانه بگیرند یک دست هست هنوز که پژوهانه ندانند و یک تعدادی به میل و دلخواه خودشان“
”من تو انسا پایه پروره بگیرند“

جالب توجه این است که در همان زمان، شورای عالی اقضایی (زیر نظر دکتر بهشتی) طرحی برای فعالیت احرب اسلامی، به نام ”قانون تشکیل محیثیت“، انجامده است، احرب و نظایر اینها، ”نهیه و تحریم“

مجلس پیشنهاد داد در ماههای آین اقدام بود:
 "هر کس که رنگ و گروهی نویانه جمیعت، انجمین، سازمان و حزب یا هر نوع تشکیلات
 فرقه‌ای، دینی، سیاسی و اجتماعی دیگر تشکیل دهد باید آن که نیاز به تحصیل پرور باشد.
 رسمن داشت باشد" (هم، جلد ۱۲، ص ۱۳) (۱)
 ۱. ماده ۵: طبق مصادر متذکر شده در کتاب ملک گردی، فعالیت‌گر «هیئت‌داران» دارگاه است.

موضع دیگری که در بروز فائزون احزاب در مذاکرات مجلسی جلیل ترجمه می‌کند سالان پیشگوئی نگیر غیر قانونی گردید یا مترقب ساختن فعالیت احزاب سیاسی است که طرق عده هنگام بعثت درباره ماده ۱۰ قانون احزاب مطற گردیده است در ماده ۱۰ فائزون احزاب چنین آمده است:



در چارچوب آن چه در ماده ۱۰ و ۱۱ قانون احزاب بعثت و تصویب شد، در ماده ۱۷ قانون پادشاه تصریح گردیده است، کمیسون ماده ۱۰ بعد از اخخار و تذکر، در نهایت نهاده کاری که من توافق این جامعه دهد از این طریق هر زیر خانی به دادگاه و در خواست انتقال آذان از دادگاه نمایند. مذاکرات میلیون پرازمان ماده ۱۷ و توضیحات نهادنگان به سوابی روشن من گذشت که کمیسون ماده ۱۰ حق ترقی فرماندهی از این طریق انجام نمی‌شود. از سدور پروانه از مسوی یک حزب یا خودداری کمیسون ماده ۱۰ از سدور پروانه با تغیر برانه از این ماده خودداری نمی‌شود. حزب پا انتقال از مسوی یک حزب یک به معنای ترقی فرماندهی نمی‌شود. لاثن خالقان فعالیت آزاد احزاب برای حلطف ماده ۱۲ ثبت نشیجه مانند به موجب این ماده اگر کمیسون ماده ۱۰ از سدور پروانه برای تسبیح مطابق انتفاع کند، حزب می‌تواند از کمیسون ماده ۱۰ به دادگاه شکایت نماید.

پارابین، به مرجب شرطی مذکور اکثر مجاز خبرگان و مجلس شورای اسلامی اول آغاز می‌گشت از این پس طبق این مصوبه می‌توانسته باشیم که اگر آزاد و تنها مشروط است به آنچه در قانون اساسی آمده و قانون امنیت از این روز توضیح داده است. نهایت فعالیت این اعزام هرگز مشروطه بگشته باشد. بر وانه از وزارت کشور نیسته. نهایت ماده ۱۷ قانون اعزام صراحت دارد که کمپرسون ماده ۱۶۰ به دلار نه کشاورزی شامانی و اخلاق کشی، در آن ماده از این ترتیب از این پرونده خبر طلاکار را به دادگاه ارجاع دهد. دادگاه بر طبق اصل ۱۸ قانون اساسی به آن رسیدگی من کرد و ممکن است این موضع و غیره تصریح نمایند به دلیل ماده ۱۷ قانون امنیت از این روز قوه قضائیه از تاریخ تصریح تا موافقت باشند. این ماده همراه با این ماده است. مصوب اصل ۱۸ قانون اساسی (راهنی و معرفی نهاد) باین اینکه وزارت کشورهای کمپرسون ماده ۱۰ و نه همچنان و نهاد دیگری خواهد از کجا دادگاه عمومی علن، با حضور هیات منصفه و بر طبق اصل ۱۶۸ قانون اساسی و ماده ۱۶ قانون اعزام، حق اعلام احوالات پس خوب سپاس و اندازد. ناقصه به توصیهات بالا، ظرفیتی که توسط اعضاشی کمپرسون ماده ۱ یا سایر مقدمات در مورده مشروطه کردن فعالیت اعزام می‌باشد که بگشته باز از کمپرسون ماده ۱۶۰ اعلام شده است که ملامت این اساسی و وزارت کشور است. از این توجه این اعزام موقوف است که اگر کمپرسون ماده ۱۰ بس لسه ماء از تاریخ تسلیم مدارک پس خوب سپاس و اندازد. این اعلان نظر تسلیم نمایند. بر وانه در خواست شده از این کل

تشدید مبارزه و گسترش جنبش اعتراضی
سلاح کارآمد طبقه کارگر در شرایط گنونی!

- اعتضاب در کارخانه بافت ناز • اعتضاب کارگران تاسیجی بهشهر • اعتضاب در کارخانه جنرال
 - اعتضاب کارگران نیروگاه برق نکا • اعتضاب کارگران در شرکت تولیدی علال الدین
 - اعتضاب کارگران کارخانه خانه های پیش ساخته گرمان • برخورد کارگران یا مزدود روان رژیم در کارخانه جهان چیت کرج • اعتضاب در کارخانه قند بیرانشهر • اعتراض کارگران اتوپرسوانی تهران

نیز پادشاه و حق دارا بودند تشكیل منتهی، همچنان، کارگران کارخانه قدر
پیرا شنیده ملت عدم برداشت به مرغع دستورهایشان دست او کار گشیدند. برقراری
سیاست اسلامی، خاطرات و بهداشت در معین کار، افزایش استمرارهای و برداشت بسیع
از خواسته های شخصی اکبر امامت کارخانه کارخانه فدی پیرا شنیده.
یکی از انتساب های مهم دیگر ازش در هنرهای اسلامی انتساب پیکاریه
کارگران شرکت جنرال (که در شهرهای اسلامی به شرکت جنال مشهور شده) بود.
روز زمانه داده جناب نهران در تاریخ ۱۸ بهمن، ملت این انتساب پیکاریه و پیروزه را
هزار پسر از کارگران اسلام کرد. این روز نامه در این روز خوشی، پیاسال کردن
حقوق کارگران رای خدیمه سهام شرکت. کارگران بطور جنس با فروشن اثاثیه
منزل خود و نیز پسر پول رای خصیه آوری کردند. و طی ۴۵ ثقیر، چک مستلم ۷۱ میلیون تuman به
حصال در خواسته شده، واریگ کردنند. اما هر روز سه ساعت میان ساعت ملی و بهانه
و درجه اینها در میان دیگر ایام اسلام شرکت. کارگران بطور جنس با فروشن اثاثیه
کنون به شکایت کارگران در این بورد رسیده گی شده است.

شایدند کارگران اسلامی گفت اند. که ملت این مرکت انتسابی است. که ملت این
کارخانه و دادگاری از همان مرکز داران و شایان کار فراز و سرمه از داران از شارمان
اصلاح ملی از کارگران بوده. انتساب کارگران شرکت جنرال به دلیل
پیکاریه و اتحاد کارگران و نیز خواسته شکارش، از جمله انتسابی اند
اگذاری سهام به پشت صورت، شایان توجه جدی است. لازم به یاد آوری است که
این مرکت کارگران در رام پاسخ روش و ناظم به رزم و ولایت تقدیر، دولت و
دولیت این روز است که بر کارگران اسلام که کارگری نیصره ای را به لایحه بود.

۱۳۷۷ خود شرکتی که ملت آن و اگذاری سهام به کارگران بایان

تصدر العالی ۲۵ به لایحه موجہ ۱۳۷۷ خورشیدی کل تکریر مقرر می دارد که
بمنظور کاملاً حتم تضاد دلت و تشییق سرمایه‌گذاری بعنوان صرسوی دولت
مرکزی انت اتال از اراده لایحه موجہ ۱۳۷۸ خورشیدی تکلیف شرکت های
دولتی را از تأمین احتلال و باز مرتب ساخت آنها به عنوان صرسوی مشخص نمود
بیان و مرض، همراه این تبصره العالی (نیمسر ۳۵)، یکی از دستاوردهای جمیش

امتحان های متعدد در مرآکز مصنوعی کشیده، طبق ماه های گذشت گفتارش پیشگیری یافت است. ب دنال امتحان شکرخورد کارگران گروه مصنوعی ملی که تا اوایل امسد ماه ادام داشت از این امتحان نهاده مانند کارگران در گروه مصنوعی فقط نتایج بولاید کسر و ابزار امتحانی را در این امتحان نهاده اند. این امتحان های متعدد دیگری در واحد های تولیدی و مرآکز کارگران سراسر کشور به تحقق بودت است. در بین امتحان در کارخانه های سین، تعاویت و بلوش امتحانات، کارگران کارخانه افت تازان آن بحث سیزده بیت به انتشار رده. در اواخر بهمن سال ۱۴۰۰ 14% کارگران این کارخانه را در اعترافی به ایام حصری سازی و پایان داد دستشده ها و پیز ملک گیری از اجزاء طرح اخراج گزروی از کارگران دست از کار کشیدند. میزان تولید این کارخانه طی سال گذشت به مراتب کسر شد و نیزه امتحانات لام کاهش پیدا کرد. بود و به منی دليل رزم لاویت قبه آواره در هفدهت کارخانه ای که مراوی خصوصی سازی در ظرف گرفت، تقریباً دو هزار امتحانی اعلام کرد که کاهش تولید معملاً نتوسط کارخانه ای می سوزرت گرفت و آنها این دبله می خواهند کارخانه را به قیمت ارزان همیاری کرد و پس تخت مهندس مهندس افرادی تولیدی، شناسار زیانی از کارگران و پیشگیر و قابل توجه است.

پیشگیری از سوی دیگران، کارگران سازمانی کارخانه نساجی بهشمehr در اولین هیئت ملی انتصاب گشته، ای راسامانده گردید، که پیش از ۲ هت به طول انسایدیم، منته تین خواست های کارگران سازمانی هشتمهر صارت مردم از ایرانی سلطنه و مستزدها طلاق بنا زنخ و اقتصی فوری، برداشت سرخ و دستزدها و هر رفاقت میدی

پیش‌تاز

سندگانی و کارگران میهن ما که حق بدینه کارگران قلهاد من شده باشیم من گردد و هیچ سهای در مراحل و اقداری، به کارگران تعلق نسی گیرد، و حصرات سرمایه داران در گفت‌ساخت «فانوی» دوت و مجلس شرکت‌ها و کارخانه‌ها را بازاری ترین قیمت تهاب می‌کند. اتفاقاً اتفاق بکارگران شرکت جیزال و یا فشاری هوشاید آنها بروری همین مسئله، شناگر بیداری و زرفای آنکه طبقاتی کارگران در شرکت‌کرب و انتقام آنها از شمار واقع بانه و حرارت منطقه من کارگران برای تهاب سهام کارخانه هاست این اندام نه تنها مسکن صنف بلکه محتوى انسانی کارگران نیز است کارگران شرکت سراسر، سورادر شد سازه و ارتقا، مطلع آنکه انتقام کارگران میهن ماست.

آنکه ورشد، از میان انتقام کارگران میهن ماست.

از زمزمه انتقام کارگران برای با اهتمت دیگر، اعصاب کارگران نبردگاه، برق نکاست،

که برآنگه شرکت‌های از این کارگران و طور کلی در جامه داشت است. کارگران

همجیس من داشتن سنديکاً مستقر کارگران را میتوان بندی شغل بندی طبق و

امتراسی، نگرانی شدید سران و زیم «ولایت فقه» را برآیند. هرگز

هایی من در طوکرگری از گشته انتقام کرد. از سوی دیگر در اوایل اندامه

کارگران شرکت نتلدی عالم‌الدین واقع در جاده کرج در امراض به خصوصی سازی و

نواده انتقام، ارتقا، حلولگری عالم‌الدین واقع در جاده کرج در امراض به خصوصی سازی و

روزنهام رسالت ارگان باند جهیت خبر این انتقام را ممکن کرد و در این

باره ارجحه نوشت: «کارگران به ملت نداشتن اهانت تعلق و مخفی میباشد

از کارگر کشته نه... شرکت تولیدی «علام‌الدین» سال پیش به بخش نعمومی

و اگرچه شده، بود از آن تاریخ، شرایط کار و میعت کارگران را و خاتمه گذارد و

صدھا کارگر کارخانه از احرار شدند. خواست شخص کارگران در انتقام اصر

افراشته دستزده، حلولگری عالم‌الدین واقع در جاده کرج در امراض به خصوصی سازی و

است. امراض کارگران آگاه، و میاره میهن ما به سیاست ضد کارگری

خصوصی سازی به همین شرکت ماحصله نه شود. کارگران در

سراسر کشور طی این سیاست های میاره من گشته.

در همین زیسته کارگران کارخانه‌های پیش ساخت کارگران نیز در

و اکنون سمعت ساری در این واسد توپی در اوایل اندامه

۷۶ آن در یک اقدام صاهنگ خط توپه را تعلیل و رسماً اعلام انتقام کردند و

کارگران سعد شاهزاده سرکوبگران و خشن کارگران در کارخانه همان چیز کرد.

بود سمعت دستزده و پیشقدم احرار طبق مدعی شغل در هرگز

سارمان یافت. انتقام کردند. در برای این انتقام های سارمان یافت و

مسام، زیم «ولایت فقه» تندی های متعدد را بکارهای اینکه،

ارحله مردوخ سرکوبگران و خشن کارگران در کارخانه همان چیز کرد.

زیم در مرار کارگران انتقامی به سرکوب و احرار آنها متوجه شد. در این

کارخانه همچویی داده گفته «زیرا که و در آن طی یک محاجه

محاکم و غیر قانونی مده ای از کارگران را از بخش انتقام،

«عمل انتقام»، «فالی انتقامی و خد انتقام و اخراج کرد در

کارخانه های گرده، صفتی ملی که انتقام درستشان و فرق الماء از این شندید

در آن سارمانده شد. و بیش کارخانه نهضات پیلاولی کرج. و زرفشار

شاهین کرد، و مده ای از کارگران احرار و یا تهدید به اخراج کرد است.

ستاد هماهنگ کننده و بیرون سرکوب کارگران

خانواره های آنها. کارگران کشته ما در برای
تبیفات زیم اسلامی هیچگاه در صوره
حقایق بسازرات و انتقامات خود حق دار
دروه چنگ تردید نشان نداده اند. با این حال
سران زیم اسلامی نیز هیچگاه از این
عواطفی‌رسی دست برداشته اند که حکومت
آنها، حکومت الهی، اسلامی و طرفدار
مستضفین است و کس حق انتقام در برای
آنها را ندارد. سران زیم اسلامی سا این
تبیفات و پایین عواطفی‌رسی است که آنکارا
حق مسلم کارگران در اختصاص و سازماندهی
اعتصابات در برای سرمایه داران و دولت و
حق تشكیل مسئول آنها در قوانین خود اندکار
کرده اند ولی حالا که کوس رسماً زیم از
بامها انتقام و معلوم شده که زیم تقیه نه
تنها حاس سرمایه داران و مدائع آنهاست
بلکه تک تک سران و گردان‌دگان دست اول
زیم سیاه اسلامی، خود با غارت و
چیزی شرود صدم و کارگران و اختلاشمای

کارآئی انجمنها و شرعاً اسلامی در سرکوب
مبازرات کارگران و همین طور گشته
مبازرات کارگری، سازماندهی ستاد ویژه
سرکوب ضروری شده است.
باتوجه به تسرکر زیم و زیم اسلامی
بهای سرکوب میازرات کارگری و سازماندهی
ستاد ویژه ای برای پیش‌رایین برنامه، مقابله
سازمان یافته کارگران در برای آن ضروری
است: مقابله سازمان یافته کارگران در برای
تبیفات زیم، آنچه که حرکات و انتقامات
کارگری را به عوامل توطه گرفتست میدهند،
آنچه که حرکات و انتقام کارگری برای
ایجادشان ترین خواستها را نیز به توطه ای
برای براندازی زیم نسبت بیندهند و مینظر
مقابله سازمانیات در برای توطه دستگاههای
سرکوب زیم برای پرونده سازی برای فعالیت
کارگری و سازمان طییس میازرات کارگری
جهت دستگیری، زدن و نابودی آنها و نیز
سایت سازمان یافته از این فعالیت و همچنان و

سران زیم اسلامی با هراس از اوج
گیوه میازرات کارگری در سال گذشت، ستاد هماهنگ
کننده و بیرون سرکوب کارگران را از بخش حراثت
وزارت کار و توانات اطلاعات ر انتیت بوجود
آورد اند. وظیفه این ستاد تسرکر زیم برای
سرکوب حرکات و انتقامات کارگری، جمع
آوری اطلاعات در صوره فعالیت کارگری است.

سران زیم اسلامی صواره حرکات و
اعتراضات کارگری را به عوامل توطه گر
سبت داده اند تا باین ترتیب بتواند اولاً دلیل
مرجعی برای سرکوب کارگران ذراهم گشته و
ثانياً منکر وجود اعتراضات کارگری نسبت به
سیاستهای زیم اسلامی و شرایط تحمل نایابی
زندگی‌گشان تحقیق میعنی زیم بشوند. این
ادعا دروغ بی شرمانه ای پیش نبوده و نیست،
و حق مذهابت که این دروغهای پیشمانه را
منی عوامل سرکوب زیم در محیط های
کارگری، یعنی شرعاً و انجمنهای اسلامی نیز
باور نسی کشند. از اینرو میازرات تضییف

رهبران خود سازمان بدمندند. تداوم مبارزات کارگری بدرن حیات فعال از نایندگان و رهبران کارگری با مشکل روپرور خواهد شد. در هر مرحله کارگری باید پیش بینی های لازم برای شرائط نهایم دستگاههای سرکوب رژیم و مسجینی تعقیب ر دستگیری فعالین و رهبران کارگری صوت گرفته و اعتراضات صایختی برای آزادی کارگران زندانی سازمانده شود. در چنین شرائطی است که امکان مقابلة سازمانیات در برابر نهایم سازمانیات رژیم اسلامی و سرمایه داران ر متاد ساختگان کنند. ریشه سرکوب کارگری که اخیراً سازمانده شده فراهم خواهد شد. کارگران باید ایجاد متاد ساختگان کنند، و ریشه سرکوب سازمانیات کارگری را به طبقی که میتواند در همه جا انشا کنند و نیروی خود را برای مقابله با ترطیه های این متاد بسیج نمایند. برای بسیج نیروهای هرجه بیشتری از کارگران در کارخانهای ر دستگاههای مختلف، انتقال تهریفات و شوه های سازاره علیه این متاد و دستگاههای سرکوب رژیم ضروری است. با توجه به رشد و گسترش سازمانیات کارگری به پیش میتران گفت که دستگاههای سرکوب رژیم و هم چنین متاد جدید و ریشه سرکوب در برابر مقابلة سازمانیات ر متعدد کارگران کاری از پیش نخواهد برد.

متقد کارگری اسری است که باید امکان آن بررسی شود و از هراسکانی در این رابطه با در نظر داشتن چشم انداز طبقات استفاده شود. که این خود بحث جداگان ای را طلب میکند. والبته این است که کل حاکیت خود را برای دورهای جدید آشاده کرده و حتی پیش از کشاپیا به نفع جوانان و دوشنکران، نمیتواند ارگان ماقبلت را ذیل سوال بپرسد. در هلا نبودیک جریان عملی و نظری، از کشاپیا که در آینده اگر تحقق باید حاکیت و دولت میتواند زیان از تعیین و تربیت همراه با حفظ سرکوب و خفغان فرام کند. طبعاً هر کشاپیا در هر مرصد از حیات اجتماعی مردم باید سرور استقبال فراز گیرد. وظیفه هم و سوابیلت این است که اگر در داخل گفورد ایندرون نیشوند به شکل مؤثر حضور باید، تلاش خود را به چنین کارگری، زنان و جوانان در ایران مستوف کند و با پشتیبانی از این چنینها، اسکانات موجود را ثبت کند و با تعقیب فرمانگ سیاست مشرقه، کوشش کند جذبات مؤثر در صرفاً تلپیرات اجتماعی باشد.

با تکیه بر این اگامی مقامات سازمان باید خود را در برابر سیاستها و توطئه های رژیم به پیش می بردند و اتحاد طبقات خود را در برای اتحادیه های جزو اجر سرمایه داران و دولت آنها شکل میدهند و شالث از برای سرکوب و ترطیه های رژیم تسلیم شده و بیخواهند به مرشکل که شده مخفی روا علیش شکلکهای مستقبل خود را سازمان داده و بازها و ارگانهای تبلیغاتی خود را برای انعکاس خواسته اشان بروجید یارند. در برای ترطیه دستگاههای سرکوب در برای سازمانیات دولتش را به تصاحب خود در می آورند از حق داشتن روزنامه و شریه برای انعکاس نظریات و تبلیغات و تشكیل احزاب و غیره برخودارند چراً باید کارگران از حق اعتراض و شکیل اتحادیه های مستقبل محروم باشند.

الیله سران رژیم اسلامی در محروم گردند کارگران از داشتن شریات و روزنامه های مستقبل کارگری و مسجین در محروم گردند کارگران از داشتن اتحادیه های مستقبل و احزاب کارگری دلالت روشنی دارند که به منابع صندوقهای کسک رهیاری به حایت از شانزاده های کارگران دستگیر شده و زندانی پرداختند. این اقدامات اگر به ضروری است ولی برای مقابلة سازمانیات در برای سرکوب و ریشه رژیم سرکوب مبارزات کارگری ر توطیه دستگاههای سرکوب آن گافی نیست. کارگران باید بتوانند بسازات ختنی گردند تبلیغات و توجیهات رژیم برای تعقیب ر دستگیری شایندگان و رهبران ساختگان و کشاپیکه بقول آنها عامل توطیه و تعمیرک پشار میبرند. به دفاع از نزدیت شاهله شدن شایندگان کارگری برخاسته رهابت سازمانیات ای را برای دفاع از شایندگان و

برای فعالیت موثر چه

ساده نگری و وشنکران و نمیمهای دمکراتیاتی در باره جامعه مدنی و عرصه های دیگر میتواند در جهت دادن و تعییف لرنه سپاهی خانه مؤثر باشد. دولت خاتم چنگ خانها و دان میزند ولی در عین حال میتواند سرای سعد کوشاها ک شده با استفاده از زبان و ظاهر خویش، همچنان رای کل حاکیت باشد. انتظارات سردم و حوانان نمیتواند از جانب دولت کوشا برآورده شود. ولی تکنایش منفذهای کوچک برای نیسته. کان و با توجه حوزه ب شکلات بیشتر جوانان، به آینده بستگی دارد. سرکوب جنبشی ای اصلی جامعه از لبیل چنین کارگری اهیجان ادله خواهد داشت و گناهش در اسر شکلات سهپاره داران و سرمایه ای از دولتیین به

حقوق بشر

اسلامی ॥

۵ به گفته برشی رهبران محمد روحانیون مبارز، سیاستی از شرمندگان گزارش نسبتمند شهرداران آزاداده در پی شنیدن شبهه های رفتاری در زندان های کشور اسلامی ایران به شدت گرسنگید....*

خبر اخبار صریح طوطا شکست و آزار شهدا ران
دستگیر شده توسط ساموران امنیتی و قوه
نظامی . . . و سپسی در مطیعیات صدر
کشور داشت. درین حصور شهدا ران آزاد شده
و گزارش آنچه بر آنان رفت و در گردی دیگر
نهیح و غایب از این میان مسافران سار بر نامه ای بر رسی فوج
نیقات بروت و خراسان راهداری سفید گل رویه به
این امر رضت و بر اساس گزارش رسیده بید
محمد صالحیان رسی معمور، دستور داده
است که یک هکیت مستقل تعقیف «مرای
رسیده گی به این ساله شکل شود.

سؤال کہ فر ایسا طبقنا مطற می شود و
باز مدد بررسی دقیق تر است. این است کہ آیا
این رفتار سر انسانی و نشکن و آزار دشمنی
شے گان یہ یادی حدیدی در جمهوری اسلامی
است کہ این چین حصرات را تعلق نثار قرار
داده است و ہمگیری چین بررسی اعماقی

اعتلاء مجدد جنبش دانشجویی

۹

چینی بینظر میرسد که جنگ داشتخرس در ایران، پس از افت و خسارت های سلهایی گشته، پاریگر به مرحله جدیدی از دریت و استعلاء، گام نهاده است.

دریی استخبات خردآمده ریاست جمهوری که عراق و رستاخ سپاه معین دری داشت، تغیر متوجه این را در تنشت قربانی ساخته های ریتب در جراحته ای را آورده این تحولات و تغییل سیاسی آن در داشتخرس های کشور نیز تغییک ایجاد و داشت. داشتخرس با تحریرات و استعلاء، داشت و داشتخرس، با تحریرات و استعلاء.

خواستار محدود شدن این اختیارات از طرق تجدید عهده داشتگانها و مسائل داشتگری مستند. این اختیارات در مراری اشکال قهر آمیز بخوبگرفته و به زنود خود میان داشتعیین و نیوهوای سرکوب و مزدوجان مکروش مستمر در داشتگاه انجامیده است اما علاوه بر این جوش وسیع و عمروس داشتگری یک جریان دیگر برش وود را که جریان محدود و باست به یکی از جناب های حکومت یعنی معجم روحلین بن است آنها اغیرا بر پادشاه غلابت خود افزایه داده و حکمت آنها اسلامی است این حکمت سلطان طبلان در این حکومت اسلامی است این جریان خواهان آزادیهای سیاسی محدود، برای طرفداران حکومت اسلامی است وحدو مراضعه همان سوابع خاتم است دفتر تعکیم وحدت این جریان را نماینده می‌سیند. اما گلگشنیز لرین هریان، پا را از این حدود نیز فراتر نهاده، و مسئله اختیارات ولی قبیله را مورد سوال فرار داده‌اند. لیکن داشتگری، خواهان برقراری آزادیهای سیاسی به شکل

و سوابیت دندن مین جنیش قدرسته و با رفاقت
مشترکه داشتند این پی سوابیت از هم اکنون بدید
خود را بپاریزی همچنین و رایمیکل ترکدن آن آشاده
کنند. شرایط حاکم بر این اعلانه دند افتن جنیش
داشتروش را پس می بینید. و کنی هر طرفهای حکمران
اسلام هم علاوه شمار محدود شدن اختیارات ولی قوه
را می پنداشد، شناس ازین حقیقت است که اوضاع زیرم
و خیم و فرقی العاده بحرانی است.
جنیش
اشعرش نیز مسترانه همچون گفتست یک متعد جنی
جنیش مردم زحمتکش ایران باشد.

بیش عمر من، در مرحله کوتز درین حال
میگردید از تضادهای جناب می و حکومت به نفع
طالبان خواستهای خود لستهاد، کند و ضمای سبارزی شد
بله حکومت را ترسمه دهد، باید از دهم آسیستان و یا
باله بیوی از جناب حکومت و چهاربانات فاشیجورش و استی
این بنی جناب ها پریز کند و راه مبارزه مستقل خود
برپشت گردید.

شجران سریلیت مارکیت درین این جنگ
پتراند ولید قش مهم درهایت ورادیکالیزه کردن
بیش داشترین ایفا کند. جام مارکیت ورادیکال

جیش داشجوشی برای این که بتراند به وظایف خود عمل کند، بدل خود را صورت یک فراکسین لامپریز در درون جیش عمرس داشجروش مشکل داد، درین حال که برای حفظ اتلافات با جریانات کفر درون جیش داشجوشی که خواستار تحقق آزادیهای سیاسی و حقوقی دسکراتیک شدند، ملاحت میکرد، باید این میقتضی را درنظر داشته که اهداف روزانه این راهنمای رسانی سویاً میباشد درون جیش داشجوشی است فائز از مطابقات دسکراتیک ایدیوچوانه است هرچه جیش داشجوشی اعتلاء پیدا در رومن اعتلا، خود را بکالریه کرده، جریانات چه

کامل و جامع آن هستند و نه وجود آزادیها برای طرفداران حکومت اسلامی. بعلاوه آنها خواهان برخانادن بیست استیادی ولایت قبیه و حکومت اسلامی هستند و نه اصلاح و تغییر در آن لین خواستها در فضاد اشکار با خواستها و مطالبات جزیایی است که در پیشین حالت خواهان محدود کردن اخبارات را ولی قبیه می‌سیند. گذشت ازین، جریان غرق خود را کیک از عوامل و ایزاسهای روسکوب جنیش داشت جرسون بود و ماهیت آن وحاج حامی اش هرچنانکه اشکار است. مرحله آنچه که باقی می‌سیند و حوزات اعیان است همانجا نیش اعتراف عصرمن داشت جرسون است. این خشن عجائب خود انگشت است و همانند نیش های داشت جرسون درود های گذشت نخست با مطالبات متفرق در قاعی داشت جرسون ولرد عرصه کازار شده است. تحریر خشن های داشت جرسون درایران و نیز در کشورهای دیگری که دیکتاتوری عربیان بر تله حاکم است، شناش داده است که همین خشن با همین مطالبات، به نیزی تبلیل به خشن با مقاصد سیاسی و مطالبات دمکراتیک خواهد شد در دیند این خشن گریبانیات طبقات مختلف عمل می‌کند با این وجود در زند تکامل این خشن تقطه مشترک وحدت سیاسی گریبانیات مختلف، مخالف با خشن دیکتاتوری عربیان، نلاطف برای کسب آزادیهای سیاسی و حقوقی دمکراتیک خواهد بود.

دور باطلی که ادامه دارد !

ناساسماں اجتماعی و مضاف ترور و
مزکونگری و حشانہ و افسار کیستہ است کہ
حاصمه الکون با آن دبور است و قضاۃ حصول
پس مؤقتہ جیزی جز اوج گرفنہ در زورہ
اوایتیں مردیں، گستہ نہ شدن دامہ
شہادی احتساب و لغز و انحراف مخصوصی و
مابین کاٹھ ہرچی پر یا ہی میں احتسابی
کلیمہ جمیوی اسلام ختم وحدت بود۔ پیری
ہ از فضی از جمیع حاکم جمیوی اسلامی
شده تعلید است، افتخارات و بیاعیاہی هر
جذ کاہیں کہ بطور خود انگلیخند و منسلق
و ساطق مختلف رویا مبسوط، احصایات و
کنکای کارگری کوئی

چند است که مزان جمهوری اسلامی
یک حاره روحانیتی باشد و کارزار مشترک
گشته و فریسکارانه ای در خدمت گروه هماره
با قیاده اداری و روش خواره در سلطنه ملای
مدیریت گشود و آغاز کردند. بحث علی
خلصه ای مشترک جو پس این مبارزه دروغین را
می‌شخستند اینها عربیان در حجم عده ای از
کارگزاران روزیان در قوه افسوسه ای از نام
در داشتند. همان طبق آن شاهزاده گفت آخوندگانی
زیر و درشت و رسانه های حکومت شاه نت
این قیاده روزانگارانه را در مسراهی خود
بارگاهوانی کردند. هجعیان بیرون در میدا و
سیاه جمهوری اسلامی معاصره گذشت لایهان
سر و کله "محظیین" و "ساحاب نظران
اقتصادی" و برخانه سازان این طبقگویی ارتقای
حضور بهم رساده و در حضور این جهاد
علیه و گروه ای مبارزه با قیاده اداری و
حلوگری از عمارت "بیت العالی صلیمان" توسعه
نوکسه گذاشت و صورت اخراجی و مسعودیان
پیامبر گوئند و پسر امثال هر گنبد به فراخور
حال و نوان فربیکارانه خود به گشافی و "تمد"
ستم اداری و اقتصادی گشود بپراختند.
خلاصه ای در بعثتی از سخنرانی خود "بیرودی"
رئیس قوه قضائیه و دست نشانده خود در این
نشستگاه را مورد خطاب فقرارداد که مسدد ماید
ما فاقط بیشتر در حجم پاکسازی این "قوه
اساسی" گشود از قیاده و روش خواری و در
حلوگری از عمارت بیت العالی صلیمان و طرد
نوکسه گداش و کسانی که لرتو نادار و زده ای
را با استفاده از امکانات دولی نهاد آورده
اند کام برداشته شود" چند دور بعد این
الامارات "خرخواهانه" ۱۵ نفر از مست

این هاجراها و این بازی ها و در واقع این دور باطل ممکن است در این مقطع با آن یکی بروی آن حجاج با دیگری مسد نایده ای پیافتند، اما آنها که به ابعاد توه در میان توهد های مردم و ملته کردن واقتت های عسی زندگی مردم ایجادگردد نا قابلیت میتوان گفت که این فیروزگاهها دیگر تمثیل برای حجاجست همچوی اسلامی نخواهد داشت. زیرا تعریفه لعل گذشت و حاصل زندگی کوشی که جزوی جز فخر و نایابانیست این واقتت را بیش از پیش میتوان ساخته است که فساد و نیز عدالتی و شمارتگری چنان ناخون و گوشت این سیستم اختیارپس و مایه ایان عجین شده است که با وجود اتفاق سیستم هیچ راه بروان رفته ای آن وجود ندارد.

گسترده لر به تحریر و پیش شکننده نر کردن روحیه شکست خودگران پرداختند. حجاج کارگزاران که خود را عامل اصلی در پیروزی خالصی نه شمار می آورد، با نخوب و نفرعن سوالوارانه اعلام گرد که ... اعلام حرب خواهند کرد و دم به دم از توپه های خود به ویس مهوری تاره سخن گفتهند. در این موقعیت آمدن خامنه ای به صحنه و علم گردید پرچم صیاره با فساد و سرمایه اندوری "نویکیس گان" که دقتاً حجاج کارگزاران مردم لفظش بوده دهد اساسی را لقب میکند. یکی از آنکه خامنه ای بار دیگر در موقعیت "انصار" رهبری طاهر شده و امراء نهی "خیز آندیشه" صادر کند و وجهه ولایت فقیه را آلویا و دوستی نماید که حشنه دارد شده بود و دست این روحیه دیگر یا به عقاید گشائیان بایی پیش از گلیم داراز شده گروه مقابله اولوت پیشتری دارد. بدین ساسی این هرگزها ای را گروهی از حاکمیت چشم نمی بینند و این موقیت آنها را بدانند گروهی دیگر و یا به عقاید گشائیان بایی پیش از گلیم داراز شده گروه مقابله اولوت پیشتری دارد. بدین گشائیان جاز و مصالح "سیاست بیرون" شرکتیای مشارقه ای، خروج ده تن طلا از مرد، انتخاب رهبری ایلان در وراثت منابع و اسپاخ "بیوی" در محلس در این خوش هنگی بیرون چود نشست در گوار و دن باند گروپی، اردیلی، نیوی و... داشتند و همانطور که دیده شد بعد از این کار دنده آنها از آتساب افتاد، دادگاه مربوطه به بیان دنوت بدورت خف باری نموده تمام ماند، استباحان نمی و سر و سدای آن بینه کاره فیصله داده شد و حاضری نیز این فشار سیاسی حاضری قبول گردید تا سر برگاه دیگری در سایه بیان.

حاز و ححال اخیر در مطلع گویند یعنی حسین حضرت مایه شناخت سیاسی را در خود دارد. این در موقیعی است که خواسته های رهبری و ولایت قبیه در انتخابات تأیین شد و مقدم تلغی این مرتبه در سخنرانی خامنه ای بعد از انتخابات و توصیل شدنش به دروغ آشکار گاملاً مشهود بود. و از طرفی دیگر حاجهای مقابله که خود را پیروز میدانستند سر از باشانه و نا آب و ناب پیش به برهه بزدایی از این موقعیت برداختند و با دامنه شفافانی

مواضع سازمان «اتحاد چپ دمکراتیک ایران»

تقریباً مورد کلیدی و اساسی وجود ندارد که از دایره اختیارات او بپرسون باشند لایین رو طرح شعار اجرای قانون و مقیدشدن ولی فقیه به قانون اساسی سنته و مشکل مهمی برای اصل ولایت قبیه و خود ولی قبیه بوجود نمی آردد و اختیارات اساسی و هم متعجلان در اختیار او قرار خواهد داشت. برایه این قانون، با اعمال تعیض مذهبی و عقیدتی و نیز با دخالت و اعمال نظر نهاده ای میجون و شورای نگهبان، حق شرکت بدون استثناء نمای انتخاب مردم و کلیه نیروهای سیاسی و اجتماعی کشور در انتخابات (مانند مجلس، ریاست جمهوری،...) و آزادی کامل آنها در کاندیدا شدن و کاندیدا کردن نقض و لگدمال شده است. هر نوع انتخاباتی که در چارچوب این قانون اساسی و با رعایت و التزام به اصول آن برگزار شود، نمی تواند یک انتخابات غیر دمکراتیک باشد. قانون اساسی بر وجود "شورای نگهبان" متوجه ولی قبیه در بالای سر همین مجلس برخاسته از چنان انتخابات غیر دمکراتیکی تأکید می کند تا حتی مصوبات مسان افزاد گلجن شده از جانب خود را با وسیع و سافع حاکمان متعطب سازد. برایه این قانون اساسی، انتخابات گوناگونی برای ولی قبیه تعین شده است و این شورا انتبار قانونی ندارد. براساس مکائیس موجود در قانون اساسی،

اتحاد چپ دمکراتیک ایران اعتقاد دارد که قانون اساسی کشتنی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر حکومت دینی و اصل ولایت قبیه - تقضی اصل حاکمیت کامل مردم - اعمال تعیض مذهبی و عقیدتی - تقضی آزادی کامل عقیده ایان، قلم، مطربات، فعالیت احزاب و سازمانهای سیاسی و تکلیل های متنی مستقل - عدم ارائه هیچگری و قاطع خواستها و حقوقی دمکراتیک مردم ... یک قانون اساسی خیر دمکراتیک و غیر مردمی است. از این رو اجرای و رعایت قانون اساسی و حاکمیت قانون یک اقدام اساسی و کلیدی برای غلب بر جرمان عصومی فرآگیر موجود در جامعه نیست. با التزم به این قانون اساسی نمی توان به مردم سالاری و حاکمیت دمکراتیک و مردمی دست یافت، زیرا اصول پایه ایان قانون اساسی که به نوع و شکل حکومت و رابطه آن با مردم سرو طابت. خدمت دمکراتیک و ناقص حقوق اساسی مردم است و علاوه و رساً به ناقص مردم سالاری و حاکمیت واقعی مردم منجر می شود. در قانون اساسی کشتنی، نهاد ولایت قبیه و انتدار و اختیار آن برقرار از اصل حاکمیت مردم و ملی و قوای ناشی از آن قرار دارد. مطابق اصل ۱۱۰ قانون اساسی، انتخابات گوناگونی برای ولی قبیه تعین شده است و

قول هم نبود، اجرا نمایم و به آن ملتزم باشیم. قانون اساسی، مبنای و فرادراد عمومی است که در آن اصولی که مستقیماً به آمالها، حقوق انسانی، اعتادات و اهداف سیاسی افراد مربوط است منعکس می‌شود. نمی‌توان با این اصول اعتقادی و سیاسی و حقوقی مختلف بود ولی به آن الزام داشت و به عبارتی اصول اعتقادی و سیاسی و حقوقی خود زیریا گذاشته می‌شد و در حقیقت هدف می‌سانی خود تحقیق الشاعم مدعی ای فوار می‌گیرد که از بین و بین با آن در تضاد است. علاوه بر آن اجرای چنین اصول ارتتعاشی برای جامعه مصیت و فاجعه عیق و بحران فرآگیر اجتماعی به ارمنان آورده و می‌آورده در حالی که اجرا یا عدم اجرای مثلاً قوانین اداره راهنمایی و رانندگی دارای این ابعاد پراهمیت نیست. از این‌رو مقایسه مکانیکی میان قانون اساسی و قوانین دیگر خطاط، ضمن آن که قانون‌گرایی و تحکیم قانون به این معنی نیز هست که قوانین جزئی سهم حکومتی دیگر باید ناشی از اصول قانون اساسی باشد. قانون اساسی پرتفض، غیردمکراتیک و ناقص حقوق انسانی چه بیامدهای سالی می‌تواند برای دیگر قوانین جزئی به ارمنان بیاورد جز آن که این قوانین نیز مامنی و مضموناً غیردمکراتیک و در تهاب ارتتعاشی باشد. خطاطی استراتژیکی نیروی چپ دمکرات نمی‌تواند بارزه قانونی برای اجراء و حاکمت قانون اساسی، یا تنیز حاکمیت‌ها در چارچوب ساختار سیاسی - اینتلولوژیکی تثبیت شده در قانون اساسی باشد. و از این‌رو مبارزی دیگرگونی قانون اساسی، طرد حکومت دینی و خذف اصل ولایت قیمه و دیگر اصول غیردمکراتیک آن و تدوین قانون اساسی دمکراتیک نوین بر پایه اعلایمه جهانی حقوق بشر و «مساناق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی» و با تأکید بر اصل جدائی دین از حکومت و اصل حاکمیت بدون قید و شرط مردم سازار، می‌کیم این سازارهای است تعطیل ناپذیر و وقف‌ناپذیر و انتقال ناپذیر. خطاطی استراتژیکی، بارزه سیاسی توده‌ها در پیوند زنده با توده‌ها و سازماندهی جيش مردمی، برای گذار آرام و گام به گام به سالم است آیین بدون توسل به ترور و بسب‌گذاری، درگیری سلحنه و جنگ داخلی از حکومت استبدادی دینی به حکومت دمکراتیک، غیردینی، ملی و مردمی است.

ما اعتقاد داریم که نیروهای چپ دمکرات می‌توانند به عنوان یکی از مؤثرترین اقدامات تاکتیکی (و نه استراتژیکی) برای تأثیرگذاری قانون و اجرای اصول مربوط به حقوق و آزادیهای ملت مقتصرخواهند. قانون اساسی، برگزاری انتخابات سالم و نسبی فرآگیر در چارچوب قانون، بازشناسنی فضای سیاسی و اجتماعی و فرهنگی در کشور، تضییف حکومت مطلقه فردی، ایجاد نهادهای مدنی در جامعه، رشد و تقویت فرهنگی و روحیه دمکراتیک در کشور، نابودی هرج و مرج در جامعه، فراهم شدن شرایط مناسب برای شرکت سیاسی و اجتماعی مردم در تعیین سرنوشت کشور، تضییف هرچه بیشتر استبداد دینی در جامعه، ... سازارهای کشته و ادارکردن همین حاکمیت استبدادی دینی به تعبیت از همین قانون اساسی پرتفض و اجرای موادی از همین قانون که تا حدی که برای از حقوق اساسی مردم را به رسمیت شناخته و تضییف کرده است، یک مرفقیت بزرگ برای نیروهای آزادیخواه در راستای تضییف استبداد مطلقه دینی است. این تاکتیک می‌تواند در کادر هدف استراتژیکی ما و در خدمت و تابع آن باشد و بیش از هرچیز به موقعیت آتشی استراتژیکی کمک کند. ما نمی‌توانیم به شماره‌ها و مراحل تاکتیکی می‌توچیم باشیم یا آنها را نهی کنیم.

ولی قبه قهای شورای نگهبان را انتخاب می‌کند و شورای نگهبان عده‌ای از مجتهدین مورد تأیید خود را برای نایابنگی مجلس خبرگان گلچین و به مردم برای رأی دادن معرفی می‌کند و چنین مجلس خبرگانی ولی قیمه را انتخاب می‌کند. در مر صورت ولی قیمه با مکانیسم خاص، با پاری افراد منتخب و مورد تأیید خود، باز دیگر خودش را به ولایت قبیه انتخاب می‌کند. این قانون اساسی بر وجود مجمع تشخیص مصلحت برای حل معضلات میان مجلس و شورای نگهبان و نیز وظایف محوله از جانب ولی قیمه از جمله در سیاستگزاریهای کلان در کشور، تأکید دارد. در قانون اساسی، در مر جایی هم که به رعایت برخی از حقوق اساسی مردم اشاره شده است، باگذاشتن شرط «مگر مغل به مبانی اسلام باشد»، با «مگر به حکم قانون» علاوه‌الصول مربوط به حقوق ملت، کم رنگ و نیمه‌نداز، تایگر و غیرقطائع و لوث شده است. هیچ غیرمسلمانی با همه شایستگی و امیازات و حتی در صورت داشتن رأی اعتماد و حمایت مردم، حق کسب هیچ مقام کلیدی و حساس و پراهمیت در کشور را ندارد. بر پایه این قانون بسیاری از حقوق اساسی مردم، حق انتخاب برای زحمتکشان، حق برابری مردم صرف نظر از اعتقاد و مذهب، حقوق برابر زنان و مردان در همه عرصه‌ها... به رسمیت شناخته نشده است. تصور ایجاد «جامعه مدنی مترقب و دمکراتیک»، براساس این قانون اساسی غیردمکراتیک و غیرمردمی و در چارچوب حقوق حکومت دینی (صرف نظر از سلط سنت‌گاههای متوجه یا نوگاههای دینی بر آن)، در خوش‌بینان ترین حالت، یک خطای فاحش و خطرناک سیاسی و اجتماعی است که حتی به واقعیات علمی جامعه شناسی و تجارب حیثی مبارزات اجتماعی کترین توجهی ندارد. هر نظر و حرکتی به منظور ارائه شکل جدید و آزادی‌نوین مسیحی ماهنیان فرسوده و پرسیده، حکومت دینی (صرف نظر از این که با انگیزه فرصل طلبی و قدرت طلبی و نان را به نزد روز خوردن یا برآبسطه خستگی و سرخورده‌گی از وضعیت نامهنجارکنی یا در اثر درهم ریاضی و عدم انجام فکری و وجود جو ترس و پاس و افعال، یا با شکهای سیاسی و اینتلولوژیکی و سخاک و آشی ناپذیر قرار دارد. بنا بر این رعایت کامل و اساسی در تضییف آشکار و آشی ناپذیر قرار دارد. هر نظر و حرکتی به منظور ارائه شکل جدید و آزادی‌نوین مسیحی ماهنی روحي متنی روزی ناشی از توجه به آرمان‌گرایی مذهبی طرح شده باشد»، در نهایت به عواسفری و ایجاد توقیم زیان‌بار در مردم منجر شود. اصول اساسی و پایه‌ای قانون اساسی با خلاف اعلایمه جهانی حقوق پسر و میانقاب بین‌المللی حقوق مدنی و اساسی در تضییف آشکار و آشی ناپذیر قرار دارد. بنا بر این رعایت کامل و بدون خذف حقوق پسر در چارچوب این قانون اساسی اسکان ناپذیر نیست. ما به عنوان یک نیروی چپ دمکراتیک نمی‌توانیم حکومت دینی و دخالت دین در حکومت، اصل ولایت قیمه و دیگر اصول ضددمکراتیک حاکم بر قانون اساسی را بقول کیم و پیذیریم و نمی‌توانیم به چیزی که باور نداریم، از لحظه علی و نظری الزام داشته باشیم. برخی از نیروهای امروزی‌سین که خود را ملتزم به قانون اساسی معرفی و دیگر نیروها را به این روش مبارزه دعوت می‌کنند، توضیح می‌دهند که «الزام به قانون» به معنای پذیرش و تأیید آن قانون نیست و از این‌رو می‌توان و باید به قانونی که حتی با آن موافق نیستم ملتزم بود. اما با اعتقاد ما اولاً الزام به قانون اساسی هر چند که موادی از این قانون و به ویژه اصل ولایت قیمه و دیگر نیروها را به این روش مبارزه رساً و هم علاوه به معنی الزام به دفاع از حکومت دینی، الزام به دفاع از موجودیت ولایت قیمه و دفاع از اخبارات قانونی آن، الزام به حمایت از موجودیت شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت و مجلس خبرگان، الزام به تعیض مذهبی و عقیدتی در انتخابات و کسب مقامهای اساسی و مهم حکومتی و دولتی... است که در قانون اساسی برآئها تأکید شده است. این تعریف حقوقی و سیاسی الزام به قانون و مکانیسم چنین الزامی است. چنین الزامی برای ما قابل قبول نیست. مایاً بحث مریبوط به قانون اساسی با قوانین مظلوم‌اداره راهنمایی و رانندگی همانند نیست که اگر بخشی از آن مورد